



گروسی:
حمله به تاسیسات هسته‌ای
باید محکوم شود

صفحهٔ ۷



مدیرعامل کشتیرانی ایران:
اجازه ورود به بنادر مهم چین را
نداریم

صفحهٔ ۴

مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

پنجشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۰-۷ربیع‌الاول ۱۴۴۳- ۱۴ اکتبر ۲۰۲۱- سال بیستم- شماره ۵۵۵۲- صفحه ۵۰۰۰ تومان



صندوق بین‌المللی پول:

قیمت نفت امسال ۶۰ درصد بالاتر خواهد بود

صفحهٔ ۴

سر مقاله



علی اکبر مختاری

با یکدست شدن نیروهای سیاسی در قوای سه گانه، تمرکز و چینش نخبگان در مناصب به موضوع اساسی جناح اصولگرا و شکل جبهه انقلاب تبدیل شده است. قطار شتابان تغییرات مدیریتی از سطح بالا به لایه‌های میانی رسیده و سهم‌خواهی و قدرت‌طلبی نیروهایی که در ستادهای انتخاباتی رئیس‌جمهور فعالیت داشته‌اند موجب برخی اختلافات و جناح‌بندی‌های درونی است. اعمال سلیقه در انتصابات جدید در برخی موارد آنقدر شخصی و خانوادگی و رفاقتی است که در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی موجب واکنش تند هواداران دولت شده است. مسلمانا تغییر دولت با گردش نخبگان همراه است و این تغییرات در هر نظام سیاسی امری عادی و منطقی است ولی کیفیت این تغییرات و مدیریت صحیح و کارآمد آن با سننجش دقیق ظرفیت و توان نخبگان اجرایی امری مهم و ضروری است. در شرایط تغییر دولت‌ها وتحول اساسی نیروی انسانی که در دوره‌های قبل در جناح اصلاحات نیز سابقه داشته است چه رویهای بهتر و سودمند است و پرسش اساسی این است که الگوی مطلوب بکارگیری نخبگان در مناصب سیاسی چیست؟ درگذشته در حکومت‌های سنتنی پادشاهی الگوهای خانواده‌سالاری، قومی و قبیله‌ای مبنای

تغییرات سیاسی بوده است و سنت‌های ولیعهدی و شبکه هزار فامیل ساختار سیاسی را تحت سیطره خود داشته است و نمونه حکومت‌های عربی حوزه خلیج فارس از همین الگوها تبعیت می‌کند. در مدل کشورهای توسعه یافته تغییرات در مناصب سیاسی به صورت دقیق تر و علمی دنبال می‌شود و با بهره‌گیری از علم مدیریت و روانشناسی گردش نخبگان و تغییرات در مناصب حکومتی براساس مطلوبیت، شایسته‌سالاری و توانایی افراد دنبال می‌شود. الگوهای انتخاب مدیران در اسلام نیز براساس آموزه‌های دینی یعنی اصل عدالت، تقوا، شجاعت و تدبیر تعیین شده است. در جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته قاعده و الگوی مشخصی برای پرورش و گزینش نخبگان وجود ندارد در ابتدا شاید مراکز دانشگاهی همچون دانشگاه امام صادق، دانشگاه مفید و دانشگاه باقرالعلوم جهت نخبه پروری و کادرسازی تاسیس شدند ولی اکثر انتصابات بر اساس توفیقاتی محفلی، شخص و رفاقتی تعیین گردیده و این مراکز براساس سلاطین نخبگان صاحب قدرت در حاشیه قرار گرفتند. این نابسامانی و عدم توجه به منافع عمومی در واقع ریشه در فرهنگ سیاسی تبعیت و امریت دارد و فرهنگ خودمختوری و حذف رقبب نیز دلیلی عمده این مشکل است. به همین سبب خودیاری و حذف دیگران مسئله ای مهمتر از خود جایجایی ظهور پیدا می‌کند و این دغدغه موجب به انحراف رفتن شایسته‌سالاری و مطلوبیت گزینش شده

ضرورت مدیریت تغییر

است. تداوم ایسن رویه‌ها و عدم وجود الگویی مناسب برای تعیین افراد حائز صلاحیت گامها موجب تحمیل هزینه‌های سنگینی برای نظام حکمرانی بوده است.

در دوره گذشته نقد جدی و اساسی که از سوی دو جناح اصولگرایی و اصلاح‌طلبی به دولت قبل وارد بود شبکه مدیران کهنسال کم تحرک بود و علت تشدید تحریم‌ها و مشکلات فراوان اقتصادی و اجتماعی را ناکارآمدی و ناتوانی نخبگان اجرایی عنوان می‌کردند. درمقابل دولت سیزدهم با شمار مدیریت جهادی و بهره‌گیری از نیروهای جوان و انقلابی به میدان آمده است. در این روزها پس از گذشت چند ماه مسلما مردم باید تغییرات ملموسی از به روی کار آمدن نیروهای جدید در شرایط بازار و وضعیت معیشت خود احساس کنند و چنانچه مدیریت تغییر به خوبی انجام شده باشد رضایت جامعه را بدنبال دارد. شورویخانه شرایط اقتصادی و بازار بر همان وضعیت گذشته دچار تورم‌های ممتالی است و تیم جدید سرگرم انتصابات و سهم خواهی است و امید چندانی به تغییر وجود ندارد.

مدیریت تغییرات نیز از اصول مهم و اساسی در مدیریت سازمان‌ها است و حوزه وسیعی مدیران از جزئی‌ترین ساختار مدیریتی تا کل نظام سیاسی را در برر خواهد گرفت لذا توجه به این امر در تغییرات بنیادین با تاکید بر تکثر گرایی و حفظ و حراست از منافع ملی می‌باید الگوی حاکمان و سیاستمداران باشد.

یادداشت



محمد آخوندپور امیری

بسا ورود به عصر جدید و ظهور تحولات متعدد در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، امروزه شاهد گسترش روزافزون وسایل ارتباط جمعی می‌باشیم. این ابزارهای نوین ارتباطی در نوع دسترسی آحاد جامعه به اطلاعات و تسهیل در روند دریافت اخبار و رویدادها، موجبات سهولت روند آگاهی بخشی جامعه را فراهم نموده است. فی‌الواقع اگر در گذشته دسترسی مخاطبین به اخبار و اطلاعات، تنها در انحصار رسانه‌های دیداری، شنیداری و روزنامه‌ها (که تنها محصور در اراده نهاد حاکمیت بود) امکان پذیر می‌بود، در حال حاضر با رشد روزافزون تحولات در عرصه سوشیال مدیا، انحصار دریافت اخبار و اطلاعات از دست رسانه‌های تحت نظارت حاکمیت‌ها خارج گردیده است. در خصوص بیم و امیدهای این تنوع وسایل ارتباط جمعی و جهت‌دهی‌های ذهنی که بر روی افکار مخاطبین توسط آنها اعمال می‌گردد، نکات بسیاری را می‌توان ایراد نمود. اما آنچه که در یادداشت‌ت اخیر بدنبال شرح و بسط آن می‌باشیم پیرامون تاثیرات رسانه‌ها بر حوزه دستگاه دیپلماسی در صحنه سیاست خارجی دولت‌ها و روابط بین‌الملل می‌باشد.

دیپلماسی در مفهوم محدود آن به شیوه مسالمت‌آمیز سیاسی در حل و فصل منازعات بین‌المللی اطلاق می‌شود که علی‌الاصول در نقطه مقابل بهره‌گیری از روش‌های قهرآمیز نظامی قرار می‌گیرد، ولی این مفهوم در شکل گسترده و موسع آن به معنای مدیریت سیاست خارجی است که طی آن کلیه اقداماتی که یک دولت در روابط خارجی خود در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، فناوری، امنیتی و نظامی انجام می‌دهد شامل مسائل نظامی و امنیتی، به موازات دگرگونی در ساختارهای سیاسی و تبدیل جوامع اقتدارگرا به دموکراتیک، توسعه وسایل ارتباط جمعی و افزایش حساسیت نسبت به افکار عمومی عملاً دیپلماسی را از شکل سنتی مخفی آن خارج نمود و آن را به صورت ابزاری آشکار در آورد.

امروزه به واسطه ظهور بازیگران متعدد، پیچیدگی روابط میان دولت‌ها، گرایش از دوجانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی، زوال قدرت تصمیم‌گیری سفرا، ایجاد دیپلماسی فردی، بهره‌گیری بیشتر از متخصصان، افزایش و تعدد معاهدات بین‌المللی، رشد و اهمیت رسانه‌ها به ویژه اینترنت، ظهور انواع بازیگران غیرحکومتی و بالاخره گسترش اجتماع بین‌المللی، مجموعاً تصویر جدیدی از دیپلماسی ارائه می‌شود که به کلی با مختصات دیپلماسی حتی یک دهه گذشته متفاوت است. این وضعیت سبب گردیده دیپلماسی از لحاظ موضوع، هدف و ترکیب، دست‌نخوش دگرگونی اساسی شده و از تاکید بر سیاست اعلی (مبتنی بر مسائل نظامی و امنیتی) به سوی مسائل اقتصادی، رفاهی، فناوری و زیست محیطی گرایش یابد.

با ورود رسانه‌های جمعی در قرن بیستم به عرصه روابط بین‌الملل (به ویژه پس از جنگ جهانی دوم) چهره دیپلماسی سنتی به کلی دگرگون گردید و ما با پدیده‌ای به نام «دیپلماسی رسانه‌ای» مواجه گشته‌ایم که در نوع خود در تاریخ بی‌سابقه است؛ زیرا رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای تصویری، عملاً کارهایی را انجام می‌دهند که سنتاً وزارت امور خارجه و هیات‌های دیپلماتیک میادرت به انجام آنها می‌نمودند و حتی در اغلب موارد آنها به مراتب قوی‌تر، موثرتر و نیز کارآمدتر از نهادهای مزبور عمل می‌نمایند. زمانی «راس پرو» کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۱۹۹۲ خاطرنشان نمود که اصولاً سفارت‌خانه‌ها یادگار ایام کشتی‌های بادبانی هستند و سفرا به نمایندگانی از سوی دولت متبوع خویش سخن می‌گفتند، در حالیکه با گسترش شگفت‌انگیز رسانه‌ها در اقصی نقاط جهان، عملاً سفیر در حد ایفای

نقش اجتماعی تنزل یافته است. امروزه نیز شاهد و ناظر تاثیرات شگرف رسانه‌ها بر فرآیند دیپلماسی می‌باشیم و نمونه‌های بسیار از گذشته تا به حال را می‌توان سراغ گرفت که تحت تاثیر قدرت رسانه‌ها، دستگاه دیپلماسی تحت فشار قرار گرفته و نهایتاً مجبور گشته متاثر از فضای حاکم بر جامعه و تحت تاثیر رسانه‌ها، در تصمیمات خود تعدیلاتی را صورت دهد. درخصوص تاثیر رسانه‌ها، زمانی مادلین البرایت (وزیر اسبق امور خارجه ایالات متحده آمریکا) عنوان نمود که قدرت تلویزیون جهت ارائه تصاویری از درد و خشم به درون خانه‌های ما،

فشار را برای مداخله سریع در مناطق بحران‌زده و نیز عدم مداخله در مواقعی که رویدادها طبق برنامه پیش نمی‌روند را افزایش داده است. جان شاتوک (از مقامات وزارت خارجه آمریکا) نیز خاطرنشان می‌کند که رسانه‌ها ما را به سومالی بردند و سپس از آنجا خارج کردند.

نمونه‌های تاریخی از میزان تاثیرگذاری رسانه‌ها بر سیاست دولت‌ها متعدد است. اگر پیشتر حکومت‌ها می‌توانستند بصورت بالقوه و بالفعل و بدون کوچکترین نگرانی، نسبت به مردم خود انواع اعمال سلطه را روا دارند، اما امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی و پوشش لحظه به لحظه اقدامات دولت‌ها از سوی رسانه‌ها، در کسری از ثانیه، جهان شاهد و ناظر انواع و اقسام اقدامات حکومت‌ها (حتی در دورترین نقاط دنیا) خواهد گردید و احتمالاً به واسطه نهادهای حقوق بشری، سازمان‌های جهانی و فشار دولت‌های غربی، اهرم‌های فشار حداکثری را درخصوص نقض حقوق بشر و محروم سازی حکومت مورد نظر از بسیاری از امکانات و مرادوات اقتصادی را اعمال خواهند نمود.

نمونه عینی فشار رسانه‌ها بر کشورها را امروزه درخصوص مسئله افغانستان تحت حاکمیت طالبان به عینه می‌توان مشاهده نمود. در حال حاضر انتقادات بسیاری بر دستگاه سیاست خارجی و دولت بایدن در خصوص چرایی خروج نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده آمریکا از افغانستان که پیوندهای حاکمیت را در این کشور دچار تزلزل نمود و نهایتاً عنان کار از دست دولت اشرف غنی خارج گردید و منجر به سقوط دولت او گردید، از سوی رسانه‌ها وارد می‌گردد. حتی فشارهای رسانه‌ای باعث گردید که دولت‌های دیگر نیز در حال حاضر به روشنی ندانند در قبال حکومت تازه تاسیس افغانستان چه رویکرد مطمئن و قابل اتکایی را باید در پیش گیرند و در این خصوص دچار نوعی سردرگمی گردیده‌اند و اتخاذ سیاست خارجی مطمئن در قبال دولت جدید افغانستان را به آینده موکول نموده‌اند.

بهر تقدیر امروزه درخصوص اهمیت و تاثیرات رسانه‌ها بر عرصه دیپلماسی که از آن با عنوان «دیپلماسی رسانه‌ای» یاد می‌شود عنایت ویژه‌ای صورت می‌گیرد. ظهور و قدرت رسانه‌ها در تاثیرگذاری و اقتناع جامعه، دولت‌ها و حاکمیت‌های جهانی بر کسی پوشیده نیست و با توجه به همین قدرت تاثیرگذاری، رسانه‌ها گاهی به‌عنوان بازیگر کنترل‌کننده در جهت تاثیرگذاری بر سیاست دولت‌ها و ایجاد محدودیت‌هایی در مسیر تصمیمات آنها، گاهی به‌عنوان بازیگر مداخله‌گر در جهت پیوند دادن مناسبات بین دولت‌های مختلف در عرصه جهانی و ایفای نقش میانجی‌گر و روند تصمیم‌گیری بازیگر ابزاری به عنوان اهرمی در خدمت حاکمیت دولت‌ها در جهت پیشبرد سیاست‌های مشخص دولت‌ها عمل می‌نمایند. شاید اگر امروزه شاهد حضور پررنگ و تاثیرگذار رسانه‌ها بر عرصه سیاست دولت‌ها و نظام بین‌الملل نبودیم، باز نیز نظاره‌گر وقوع بسیاری از جنگ‌های ویران‌گر و آوارگی‌های بسیاری در نقاط مختلف جهان می‌گشتیم. نتیجه آنکه فشار رسانه‌ها در بسیاری از مواقع منجر به تعدیل سیاست‌های یکجانبه دولت‌ها و منصرف نمودن آنها از اجرای اقدامات خصمانه گردیده است. بنابراین به‌عنوان ماحصل این بحث می‌توان عنوان نمود که با وجود همه بیم و امیدهای حاکم بر فضای رسانه‌ای، با توجه به کارکرد بسیار حائز اهمیت آنها در تاثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی و نظام بین‌الملل، امروزه باید جایگاهی رفیع و قابل‌تأمل را برای آنها قائل گردید و در واکنوی علل تاثیرگذار بر تصمیمات نخبگان حاکم، دستگاه بروکراسی و بطور کلی نظام تصمیم‌ساز داخلی و بین‌المللی، به نقش قابل توجه رسانه‌ها عنایت ویژه مبذول داشت.

جناب آقای مهندس علی بیانی

انتصاب بجا و شایسته جنابعالی را به سمت معاون پشتیبانی شهرداری تهران صمیمانه تبریک عرض می‌نمایم و توفیقات روز افزون حضر تعالی و خدمت هرچه بیشتر به مردم عزیز پایتخت را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

غلامرضا توحیدی‌منش و سیدمجید حسینی